

گزارشی از پنجاه و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در ژنو

اجلاس کمیسیون حقوق بشر

و ردّ قطعنامه علیه ایران

دکتر حسین مهرپور

از وقایع مهم اجلاس امسال رأی نیابردن قطعنامه پیشنهادی اتحادیه اروپا علیه ایران در خصوص نقض حقوق بشر و خروج ایران از نظارت ویژه کمیسیون پس از ۱۸ سال بود. جهت آگاهی علاقمندان در این نوشته کوتاه، توضیحاتی در مورد برنامه و کار کمیسیون و برخی قطعنامه‌ها و تصمیمات، به خصوص موضوع ردّ قطعنامه ایران و مسائل مربوط به آن ارائه خواهد شد.

بخش اول - ترکیب کمیسیون و دستور کار و عملکرد آن

الف- ترکیب کمیسیون: کمیسیون حقوق بشر که از نهادهای اصلی و عمده سازمان ملل برای

مقدمه

پنجاه و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از ۱۸ مارس تا ۲۶ آوریل ۲۰۰۲ (۲۷ اسفند ۱۳۸۰ تا ۶ اردیبهشت ۱۳۸۱) در مقرّ سازمان ملل متحد در ژنو برگزار شد. موضوعات و مسائل مختلف حقوق بشر در دستور کار اجلاس بود و تصمیماتی در قالب قطعنامه‌های صادره اتخاذ گردید. جلسات امسال کمیسیون حقوق بشر در جوی پر التهاب و جنجالی به خاطر وضع خاص سرزمین‌های اشغالی فلسطین و جنایات رژیم اسرائیل برگزار می‌شد و بیشتر مسائل تحت الشعاع این مسئله بود. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) و مبارزه با تروریسم نیز سایه سنگین خود را بر کمیسیون گسترده بود.

بررسی مسائل مربوط به حقوق بشر می‌باشد، وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) است. این کمیسیون در حال حاضر، (طبق قطعنامه ۱۹۹۰/۴۸) مرکب از ۵۳ دولت است. دولت‌های عضو کمیسیون حقوق بشر براساس و به تناسب تقسیمات جغرافیایی به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی از میان دولت‌های عضو سازمان ملل به مدت سه سال انتخاب می‌شوند.

۵۳ کشور عضو کمیسیون حقوق بشر در پنجاه و هشتمین اجلاس عبارت بودند از: الجزایر، آرژانتین، ارمنستان، اتریش، بحرین، بلژیک، برزیل، برونودی، کامرون، کانادا، شیلی، چین، کاستاریکا، کرواسی، کوبا، جمهوری چک، جمهوری دموکراتیک کنگو، اکوادور، فرانسه، آلمان، گواتمالا، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، کنیا، لیبی، مالزی، مکزیک، نیجریه، پاکستان، پرو، لهستان، پرتغال، جمهوری کره، روسیه، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سودان، سوازیلند، سوئد، سوریه، تایلند، توگو، اوگاندا، انگلستان، اوروگوئه، ونزوئلا، ویتنام و زامبیا.

ب- دستور کار کمیسیون: مجموعاً ۲۱ عنوان به صورت دستور کار و موضوعات مطروحه در اجلاس ۵۸ کمیسیون مطرح شده است که عناوین ۱، ۲، ۳، ۴ و ۲۱ به ترتیب مربوط به انتخاب هیأت رئیسه، تصویب دستورالعمل، تنظیم نحوه کار کمیسیون، گزارش کمیسر عالی حقوق بشر، پیگیری کنفرانس جهانی حقوق بشر و تصویب پیش نویس دستورالعمل اجلاس پنجاه و نهم بود و عناوین ردیف ۵ تا ۲۰، موضوعات ماهوی و اصلی را تشکیل می‌داد که بحث‌های کمیسیون و تصمیمات آن حول آنها می‌چرخید. در بین این عناوین نیز موضوعات ردیف ۱۶ تا ۲۰ که به ترتیب عبارت بودند از: گزارش کمیسیون فرعی مربوط به ارتقا و حمایت از حقوق بشر (۱۶)، ارتقا و حمایت از حقوق بشر (۱۷)، کارکرد مؤثر مکانیزم‌های حقوق بشر (۱۸)، خدمات مشورتی و همکاری‌های فنی در زمینه حقوق بشر (۱۹)، منطقی کردن کار کمیسیون (۲۰)، با وجود اهمیت برخی از آنها

عضویت ۱۵ کشور از کشورهای فوق‌الذکر در ۳۱ دسامبر سال جاری خاتمه می‌یابد که لازم است جایگزین آنها از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی تعیین شود. این ۱۵ کشور عبارت‌اند از: آرژانتین، برزیل، اکوادور از کشورهای آمریکایی؛ برونودی، نیجریه، سوازیلند و زامبیا از آفریقا؛ چین، اندونزی، ژاپن از آسیا؛ و جمهوری چک،

به خصوص مسئله بررسی میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، مدافعین حقوق بشر، اطلاع‌رسانی و آموزش (زیر مجموعه بند ۱۷) و نهادهای ملی و ترتیبات منطقه‌ای و روزآمد کردن و تقویت دستگاه حقوق بشری سازمان ملل (زیر مجموعه بند ۱۸)، وقت چندانی از کمیسیون را به خود اختصاص ندادند.

بنابراین مهم‌ترین موضوعات مورد بحث کمیسیون بندهای ۵ تا ۱۵ بود که عبارت‌اند از:
۵. حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و اجرای آن در مورد ملت‌های تحت استعمار، سلطه یا اشغال خارجی؛

ج- نحوه اداره اجلاس کمیسیون: سفیر لهستان

به عنوان رئیس و سفیر آلمان، آفریقای جنوبی و سوریه به عنوان نواب رئیس و سفیر برزیل به عنوان گزارشگر این اجلاس کمیسیون انتخاب شدند.

۶. نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و هر نوع تبعیض؛

۷. حق توسعه؛

۸. مسئله نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی عربی از جمله فلسطین؛

۹. مسئله نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در بخش‌های مختلف جهان؛

۱۰. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

۱۱. حقوق مدنی و سیاسی که شامل موضوعاتی چون شکنجه و بازداشت، ناپدیدشدگی و اعدام‌های اختصاری، آزادی بیان، استقلال قضایی، ناپدیداری مذهبی و... می‌باشد.

۱۲. حقوق زن؛

۱۳. حقوق کودک؛

۱۴. افراد و گروه‌های خاص چون کارگران مهاجر، اقلیت‌ها و...؛

۱۵. بومی‌ها (Indigenous).

در میان موضوعات فوق نیز بیشترین چالش‌ها و بحث‌ها در کمیسیون امسال به موضوعات بند ۵ و ۸ در ارتباط با فلسطین، و بند ۶ به لحاظ پیگیری کار کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی دوربان و آزدگی خاطری که کشورهای آفریقایی از موضع‌گیری کشورهای غربی داشتند و بند ۹ به لحاظ مطرح شدن وضعیت حقوق بشر در پاره‌ای از کشورها و طرح پیش‌نویس قطعنامه علیه آنها اختصاص یافته بود.

۱۲. حقوق زن؛

۱۳. حقوق کودک؛

۱۴. افراد و گروه‌های خاص چون کارگران مهاجر، اقلیت‌ها و...؛

۱۵. بومی‌ها (Indigenous).

سخنرانی به دست نیامد و قرار شد متن کتبی سخنرانی‌ها توزیع شود. گزارشگران موضوعی و کشوری هم (در مورد آنها بعداً توضیح خواهیم داد) بسیار مختصر و کوتاه، گاه در ظرف یک یا دو دقیقه، به معرفی گزارش خود می‌پرداختند. حضور در کمیسیون حقوق بشر سخنرانی نسبتاً مبسوط و جالبی ایراد کرد و سه موضوع حادثه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن، لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و مسئله فلسطین را مورد بحث قرار داد و نکات جالبی مطرح کرد.

د- عملکرد کمیسیون حقوق بشر: عملکرد اجلاس ۵۸ کمیسیون حقوق بشر رادرسه بخش: سخنرانی‌ها، ارائه گزارش‌ها و قطعنامه‌ها به طور اختصار بررسی می‌کنیم:

۱. سخنرانی‌ها: در طول مدت اجلاس، سخنرانی‌های مختلفی در ارتباط با موضوعات مورد بحث، از سوی مقامات سازمان ملل، بعضی از مقامات کشورها در سطح رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیر و معاون وزیر و نیز نمایندگان کشورها و سازمان‌های غیردولتی صورت گرفت که هر یک به نوبه خود دیدگاه‌های کلی و یا موردی خود را در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر یا نگرانی خود را از وضعیت حقوق بشر در برخی از کشورها یا بعضی از زمینه‌ها ابراز داشتند. طبعاً مسئله فلسطین و تجاوزات اسرائیل به حقوق انسانی و اولیه ملت فلسطین بیشترین جایگاه را در این اجلاس به خود اختصاص داده بود.

در این قسمت اشاره‌ای به سخنرانی دبیر کل سازمان ملل و کمیسر عالی حقوق بشر می‌نماییم:

الف - سخنرانی دبیر کل سازمان ملل: آقای کوفی عنان روز ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) با

می‌شود، بر این اجلاس سنگینی می‌کند. در حادثه ۱۱ سپتامبر هزاران نفر جان خود را در اثر یک عمل غیرانسانی و آشوب طلبانه از

پیش طراحی شده از دست دادند، این عمل، یک لحظه انسان را به این فکر وامی داشت که حقوق بشر حرفی بی معنی است. ما هنوز نمی دانیم و شاید هرگز هم نتوانیم اهداف مشخص عاملین این کار را درک کنیم، ولی می توانیم بفهمیم که اینها به هر دلیل به نقطه ای در زندگی رسیده بودند که در نظرشان، زندگی خود و دیگران هیچ ارزشی نداشت و به نقطه ای رسیده بودند که حاضر بودند برای رسیدن به هدف سیاسی شان به هر وسیله ای دست بزنند، و این چیزی است که ما با آن مخالفیم و باید در برابرش بایستیم و با آن مبارزه کنیم. پی آمد این دیدگاه این است که نمی توانیم امنیت را با قربانی کردن حقوق بشر به دست آوریم.

... ما باید همواره تلاش کنیم که به هر فرد در روی این کره زمین فرصتی دهیم که دلیلی برای ارزش قائل شدن به حیات خود و حیات دیگران داشته باشد. در عین حال، باید همواره بر برتری حکومت قانون تأکید ورزیم و این اصل را در نظر داشته باشیم که برخی از اعمال آن قدر بد و شیطانی هستند که هیچ هدفی هر چند خوب نمی تواند ارتکاب آنها را توجیه کند. هدف وسیله را توجیه نمی کند، بلکه وسیله ممکن است هدف را مخدوش و منحرف نماید.

تردیدی نیست که در برابر تروریست ها باید از خود دفاع و در صورت لزوم از نیروی نظامی استفاده کنیم. ولی بیایید همه این کارها را طبق قانون انجام دهیم، و بگذارید مواظب باشیم در دفاع از خود در دست دشمن نیفتیم و مانند سرباز او عمل ننماییم. مراقبت و هوشیاری امری لازم و اساسی است ولی در اعمال آن، اصول اساسی و اولیه همچون اصل برائت را نباید از نظر دور داشت و نباید فراموش کرد که حتی مجرم نیز از حقوقی برخوردار است، نظیر حقی که در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که: هیچکس نباید تحت شکنجه، رفتار یا مجازات وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده قرار گیرد.

بباید اطمینان دهیم که اقدامات امنیتی ما کاملاً بر اساس قانون است، در دفاع از حکومت قانون ما باید خود را بدان پایند بدانیم. دبیر کل سازمان ملل آن گاه با پرداختن به اهمیت تأسیس دادگاه کیفری بین المللی گفت: مرتکبین قتل های دستجمعی دیگر نباید مجازات نشده رها گردند، خواه این مجرمین، تروریست، فرماندهان جنگی و یا دیکتاتورها باشند و به همین جهت من از رویداد تاریخی دیروز استقبال می کنم، زیرا با تودیع سند تصویب شصتمین دولت در مورد اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، این اساسنامه در اول ژولای لازم الاجرا شده و سال آینده این دادگاه فعال خواهد شد.

آقای کوفی عنان گفت: تأسیس این دادگاه به معنی از بین رفتن مسئولیت دولت ها برای تعقیب و مجازات جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت که توسط شهروندان آنها اعمال می شود یا در قلمروی صلاحیت آنها اتفاق می افتد، نیست. بلکه برعکس، تأسیس این دادگاه

مشوق بزرگی برای دولت‌ها در جهت بهبود معیارهایشان می‌باشد، زیرا دادگاه بین‌المللی هنگامی وارد عمل می‌شود که دولت مربوطه عاجز از رسیدگی بوده یا مایل به رسیدگی نباشد. یک اصل معروفی وجود دارد که می‌گوید: نباید عدالت فقط اجرا شود، بلکه لازم است به خوبی مشهود باشد که عدالت اجرا می‌گردد. وی گفت: عدالت فقط در مجازات کردن مجرم نیست، بلکه رفتار عادلانه با یک بی‌گناه نیز عدالت است. دبیرکل آن‌گاه گفت: باید مراقب بود کل یک جامعه به خاطر اعمالی که برخی از اعضای آن مرتکب شده‌اند، مورد سوءظن و آزار قرار نگیرند. همچنین نباید اجازه داد که مبارزه با تروریسم بهانه‌ای برای سرکوب مخالفین و معارضین قانونی بشود.

به طور خلاصه، هر نوع چشم‌پوشی و کنار گذاشتن حقوق بشر، در طریق مبارزه با تروریسم، نه تنها ذاتاً، اشتباه است، بلکه نهایتاً موجب شکست خود می‌شود.

آقای کوفی عنان آنگاه با اشاره به این امر که در بعضی موارد به ناچار باید در برابر تروریسم از خود دفاع کرد، گفت باید مواظب باشیم که این اعمال فقط در مقام دفاع از خود یا طبق تصمیم شورای امنیت صورت گیرد، و وقتی این کارها را انجام می‌دهیم مواظب باشیم طبق قانون و مقررات بین‌المللی مربوط به جنگ باشد. هدف قرارداد غیر نظامیان و استفاده بیش از حد زور، خارج از اهداف نظامی مشروع، اعمال غیرقانونی است که باید آنها را رد کنیم. همچنین اقدام نظامی وقتی برای تداوم بخشیدن به اشغال سرزمین‌های خارجی به کار می‌رود، دفاع مشروع تلقی نمی‌شود.

دبیرکل با اشاره به وضع ناگوار جاری در خاورمیانه گفت: مذاکرات، متوقف شده، خشونت همه‌جا را فرا گرفته، ترور زیاد شده و حرمت جان انسانی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، معیارهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در سطح وسیعی نقض می‌شوند. ما باید از مشاهده این همه مرگ‌های غیرلازم، این مقدار زیاد تخریب و این همه هرزگی عمیقاً متأثر باشیم. من قبلاً دیدگاه‌های خود را در شورای امنیت اعلام کرده و موضع خود را به روشنی در مذاکره مستقیم با طرفین بیان داشته‌ام. برای این که صلح و امنیت مجدداً برای مردم اسرائیل و فلسطین برقرار شود، باید موضوعات عمده‌ای چون اشغال، خشونت، تروریسم و وضع اقتصادی فلسطینی‌ها راحل کرد. ما باید به خاطر بسپاریم که یکی از علل وضع جاری، انکار و عدم رعایت حقوق بشر است.

و سرانجام آقای کوفی عنان دو نکته اخلاقی و حقوقی را بدین گونه یادآور شد: یکی از درس‌هایی که تاریخ سازمان ملل به ما می‌دهد این است که این سازمان نمی‌تواند در برابر چالش‌های بزرگ اخلاقی بی‌تفاوت باشد و امروز با این چالش اخلاقی مواجه هستیم. سرسری شمردن حقوق بشر و بی‌توجهی به حقوق بشر دوستانه قابل قبول نیست و مسئولین این امور باید بدانند با قضاوت و حکم

تاریخ روبرو هستند.

بار دیگر بر لزوم احترام به حقوق بین الملل و مقررات بشر دوستانه در هنگام اعمال زور، هم از طرف دولت ها و هم از سوی نهضت های مقاومت تأکید می کنم و مخصوصاً احترام و رعایت کنوانسیون های چهارگانه ژنورا تذکر می دهم. اهداف این کنوانسیون ها کاملاً روشن و شفاف است و عبارات آنها به قدر کافی گویاست که باید در تمام موارد درگیری های مسلحانه، قطع نظر از هرگونه اوضاع و احوال خاصی اجرا شوند.

سخنرانی آقای کوفی عنان پرمحتوا و خوب و همراه با اعلام مواضع مناسب به خصوص در زمینه مسئله فلسطین بود و در فضای پر از احساس کمیسیون، مخصوصاً میان کشورهای اسلامی و جهان سوم و اکثر سازمان های غیردولتی مورد استقبال شدید قرار گرفت.

ب. اظهارات کمیسر عالی حقوق بشر: خانم مری رابینسون، کمیسر عالی حقوق بشر، که به نظر می رسید، امسال فعالانه تر در جلسات کمیسیون شرکت داشت، به مناسبت های مختلف، سخنرانی، ارائه گزارش و پیشنهاد داشت که به لحاظ اهمیت موضوع در این قسمت به بخشی از اظهارات او در جلسه افتتاحیه کمیسیون و نیز اظهارات او در جلسه دوم آوریل (۱۳ فروردین ۸۱) در خصوص پیشنهاد اعزام هیأتی به فلسطین اشغالی اشاره می کنیم. کمیسر عالی حقوق بشر در جلسه افتتاحیه کمیسیون حقوق بشر در روز ۱۸ مارس ۲۰۰۲

(۲۷ اسفند ۸۰) اظهار داشت. این آخرین سالی است که در برابر کمیسیون سخن می گوید، در واقع مأموریت او در این پست در سال گذشته پایان می یافت، ولی دبیر کل سازمان ملل از او خواست مأموریت وی یک سال دیگر تمدید شود و در این مقام انجام وظیفه نماید. وی خاطر نشان کرد وقتی با این تمدید موافقت کرد، نمی توانست تصور کند که چگونه حادثه ۱۱ سپتامبر که او آن را به عنوان یک جنایت علیه بشریت توصیف می کند، تأثیر عمیقی بر نحوه انجام وظیفه سازمان تحت ریاست او می گذارد.

این دوره، دوره ای بود که هر کسی را با خود درگیر کرد و یک بار دیگر اهمیت داشتن یک دستگاه قوی و مستقل با پایبندی اصولی به اجرای جهانی موازین حقوق بشر را به روشنی ثابت کرد و این معنی را اثبات نمود که باید در زمینه حقوق بشر کاملاً ایستاد و پافشاری کرد و درباره موضوعات حقوق بشری در همه حالات حتی در سخت ترین اوضاع و احوال به طور علنی و با عموم صحبت نمود.

حادثه ۱۱ سپتامبر نه تنها یک حادثه به یاد ماندنی برای مردم آمریکا و قربانیانی است که متعلق به بیش از ۸۰ کشور دنیا بود، بلکه حمله ای علیه نظام روابط بین الملل بود که این کمیسیون و همه کارهای سازمان ملل بر آن پایه گذاری شده است.

خانم رابینسون گفت: موازین بین المللی حقوق بشر در خطر تضعیف و تحلیل رفتن قرار گرفته و این مسئولیت ویژه کمیسیون است که

شدیداً از آنها دفاع نماید. این که شورای امنیت سازمان ملل، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بلافاصله قاطعانه وارد عمل شد و قطعنامه ۱۳۷۳ را تصویب کرد و با تشکیل کمیته ضد تروریسم، مکانیزم جدیدی را بنیان گذاشت کار مهمی است ولی خوب است این مسئله نیز بررسی شود که آیا ممکن است مکانیزمی هم برای نظارت بر اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ از منظر حقوق بشری برقرار شود؟ کمیساریای عالی از این امر کاملاً حمایت می‌کند. وی تأکید کرد که باید با تروریسم نه تنها با اقدامات قانونی و امنیتی بلکه با سلاح ارزش‌ها، معیارها و تعهدات مشترک به حقوق جهانی مورد قبول همه جوامع مقابله کرد.

کمیسر عالی گفت در زمانی که اظهارات تند ضد اسلام، عرب و نژاد سامی (Anti Semetic) زیاد شده است، لازم است همه دولت‌ها به طور کامل، برنامه کار کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و سال گفتگوی تمدن‌ها را اجرا کنند. خانم رایبسون، آن‌گاه با اشاره به مسافرت اخیر خود به مصر، لبنان و بحرین از تمرکز مذاکرات و بحث‌های خود روی جریان غم‌انگیز اعمال خشونت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و بدتر شدن اوضاع در آن منطقه خبر داد. و گفت: متأسفانه تلاش‌های جامعه بین‌المللی و از جمله کوشش‌های کمیسیون حقوق بشر نتوانسته به مخاصمات پایان دهد و فلسطینیان همچنان در معرض نقض شدید حقوق بشر که ناشی از ادامه اشغال سرزمین آنهاست قرار

دارند. کمیسر عالی حقوق بشر دو هفته پس از نطق افتتاحیه خود در ۲ آوریل ۲۰۰۲ (۱۳۸۱/۱/۱۳) با توجه به بحرانی شدن اوضاع در فلسطین اشغالی، صحبت کوتاهی در مورد حوادث ناگوار فلسطین ایراد نمود. اشغال شهرهای مختلف فلسطین توسط نیروهای ارتش اسرائیل و کشته و زخمی شدن تعدادی از فلسطینی‌ها را متذکر شد. همچنین به مواردی از بمب‌گذاری‌های انتحاری و کشته و زخمی شدن تعدادی از اسرائیلی‌ها اشاره کرده و سرانجام گفت: در محیط عملیات نظامی که اسرائیل به وجود آورده رفت و آمد خطرناک است، صلیب سرخ و هلال احمر فلسطین و دیگر سازمان‌های پزشکی و امداد رسانی، خبرنگاران و مدافعین حقوق بشر در انجام وظیفه خود محدودیت شدید دارند، آمبولانس‌ها متوقف می‌شوند و از کمک رسانی جلوگیری می‌شوند، سیستم آب و برق در شهر رام‌الله در نتیجه حملات نظامی اسرائیل به شدت آسیب دیده و حتی آب و برق مقر یاسر عرفات قطع شده است. از ۳۰ مارس ارتش اسرائیل از ورود خبرنگاران به شهر رام‌الله جلوگیری کرده، ساختمان مربوط به رسانه‌های عمومی را خراب کرده، تعدادی از روزنامه‌نگاران نیز مجروح شده‌اند و سازمان‌های غیردولتی از جمله سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر مورد هجوم و حمله قرار گرفتند. کمیسر عالی گفت: من در گزارش قبلی پیشنهاد استقرار یک گروه ناظر بین‌المللی در منطقه کرده

بودم که اکنون می‌بایست این پیشنهاد عملی می‌شد تا مانع نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی شود و همچنین وضعیت امنیت اسرائیلیان را در برابر انفجارهای انتحاری بهبود بخشد. ولی به هر حال، این حوادث ناگوار درست در زمانی که کمیسیون حقوق بشر دارد اجلاس خود را برگزار می‌کند صورت می‌گیرد و قطعاً وظیفه فوری کمیسیون است که کاری انجام دهد و هم اکنون پیشنهاد می‌کنم کمیسیون فوراً مسئله اعزام هیأتی را برای مسافرت و بازدید از منطقه بررسی کند که این هیأت پس از بازدید یافته‌ها و توصیه‌های خود را قبل از پایان اجلاس به کمیسیون ارائه دهد، طبعاً این حداقل اقدامی است که کمیسیون حقوق بشر می‌تواند در زمینه حمایت از حقوق بشر انجام دهد.

سیاری از کشورها از پیشنهاد کمیسر عالی حمایت کردند و سرانجام قطعنامه‌ای برای اعزام هیأتی به سرپرستی خانم راینسون به فلسطین اشغالی با اکثریت قاطع آرا به تصویب رسید که البته با مخالفت اسرائیل و ندادن ویزا به اعضای هیأت مزبور، قطعنامه به مرحله اجرا در نیامد. در بخش مربوط به قطعنامه اشاره بیشتری به این قطعنامه خواهیم داشت.

همان طور که اشاره شد در طول اجلاس شخصیت‌های مختلف دیگری نیز در زمینه‌های گوناگون مربوط به حقوق بشر صحبت نمودند که فرصت پرداختن به آنها نیست، اما روشن است که بحث پیرامون وضعیت فلسطین و تجاوزات و اعمال ضد انسانی اسرائیل بیشترین

وقت کمیسیون را به خود اختصاص داد. عمرو موسی دبیرکل اتحادیه عرب نیز یکی از سخنرانان کمیسیون بود که در خلال اظهاراتش به روند نامناسبی که تحت عنوان مبارزه با تروریسم پیش گرفته شده اشاره کرد و گفت بعد از جنگ سرد همواره بحث از نظم جدید جهانی بر مبنای حقوق بشر و رعایت قانون بود، ولی امروزه این نگرانی وجود دارد که حقوق بشر زیر عنوان جنگ علیه تروریسم پایمال شود. دبیرکل اتحادیه عرب تلاش بیشتر بین‌المللی از جمله شورای امنیت را برای پایان دادن به نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین خواستار شد.

۲- ارائه گزارش‌ها - یکی از فعالیت‌هایی که در سال‌های اخیر در کمیسیون حقوق بشر گسترش یافته سیستم گزارشگری است. بدین صورت که کمیسیون، کارشناسانی را در رابطه با موضوعات مختلف حقوق بشری یا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در برخی از کشورها تعیین می‌کند که بررسی حقوقی و میدانی نموده و حاصل بررسی‌های خود را به اجلاس کمیسیون حقوق بشر ارائه دهند.

گزارشگران موضوعی (Thematic) -
(Rapporteurs) در طی سال‌های فعالیت کمیسیون و به خصوص در سال‌های اخیر، توجه کمیسیون حقوق بشر به موضوعات مهم حقوق بشری جلب شد که نیاز به بررسی و جمع‌آوری اطلاعات و ارائه دیدگاه حقوق بشری و ملاحظه وضعیت موجود و نحوه برخورد با آن

در کشورهای مختلف دارد و سال به سال بر تعداد این موضوعات و این بررسی‌ها افزوده شد. حقوقدانان و کارشناسان صاحب نظر در زمینه حقوق بشر به تناسب موضوعات مطروحه از سوی کمیسیون تعیین و مأموریت یافتند که از جهات مختلف این موضوعات را بررسی کنند و همه ساله به کمیسیون گزارش دهند. به این افراد گزارشگر ویژه موضوعی (thematic special rapporteur) گفته می‌شود، گزارشگر درخصوص موضوع محوله تحقیق نموده و گزارش نسبتاً مبسوطی که حاوی تشریح موضوع مورد مأموریت و دیدگاه‌های حقوقی خود در آن زمینه و موازین حقوق بشر و وضعیت آن در دنیا می‌باشد، به کمیسیون ارائه می‌دهد.

هر سال ده‌ها گزارش در موضوعات مختلف منتشر می‌شود و گزارشگران در جلسه کمیسیون حضور یافته و فشرده گزارش خود را به سمع حاضرین می‌رسانند.

در اجلاس سال جاری کمیسیون حقوق بشر (اجلاس ۵۸) متجاوز از ۱۷ گزارشگر موضوعی و تعدادی کارشناس مستقل (independent expert) و تعدادی گروه کاری (working group) گزارش‌های خود را منتشر و خلاصه آن را به کمیسیون ارائه دادند. مهم‌ترین موضوعات مربوط به گزارشگران ویژه موضوعی عبارت‌اند از:

- آزادی اندیشه و بیان
- آزادی مذهب و عقیده
- اعدام‌های خودسرانه، اختصاری یا خارج از

رویه قضایی
- استقلال قضات و وکلا
- شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی یا تحقیر کننده
- خشونت علیه زنان، عجل و پیامدهای آن
- فروش کودکان، فحشا و صور قبیح مربوط به کودکان
- اشکال معاصر نژاد پرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و دیگر موارد ناپرد باری
- گروه کاری مربوط به بازداشت خودسرانه
- گروه کاری مربوط به ناپدید شدگان اجباری یا ناخواسته
- گاه براساس توصیه‌های گزارشگران ویژه یا گروه کاری، قطعنامه‌هایی در کمیسیون مطرح و به تصویب می‌رسد.

گزارشگران کشوری - تعدادی از کشورها به لحاظ گزارش‌هایی که درخصوص نقض حقوق بشر در آنها به طور مستمر به کمیسیون داده می‌شود و احیاناً برخی ملاحظات دیگر، براساس قطعنامه‌ای که در کمیسیون تصویب می‌شود تحت نظارت و رسیدگی ویژه قرار می‌گیرند و کارشناسی که معمولاً یک حقوقدان مجرب و صاحب نظر در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است، به عنوان نماینده ویژه کمیسیون تعیین می‌شود، که کلیه مسائل حقوق بشری آن کشور را طی یک سال زیر نظر گرفته، اطلاعات مختلف از منابع گوناگون جمع‌آوری نماید و با دولت مربوطه تماس حاصل نماید و توضیح بخواهد و با جلب موافقت او اطلاعات

دست اول را بگیرد و گزارش خود را همراه با تجزیه و تحلیل و اظهار نظر و جمع بندی به کمیسیون بدهد. به این افراد گزارشگران یا نمایندگان ویژه کشوری گفته می شود.

(country special rapporteur or representative) طبق سند منتشره از سوی کمیسیون تحت عنوان:

(annotations to the prvisional agenda).

در اجلاس سال جاری کمیسیون (اجلاس ۵۸) ده کشور زیر از وضعیت ویژه نظارتی در زمینه حقوق بشر برخوردار بوده و گزارشگر ویژه داشتند:

۱- افغانستان،

۲- بوسنی و هرزگوین جمهوری فدرال یوگسلاوی،

۳- برونودی،

۴- جمهوری دموکراتیک کنگو،

۵- گینه استوایی،

۶- عراق،

۷- جمهوری اسلامی ایران،

۸- میانمار،

۹- سرزمین های اشغالی فلسطین،

۱۰- سودان،

یکی از راه های خروج کشور از وضعیت ویژه و نظارت کمیسیون همکاری با گزارشگر ویژه و ارائه گزارش و اظهار نظر مناسب از سوی وی می باشد. در بخش مربوط وضعیت حقوق بشر در ایران اندکی در این زمینه توضیح خواهیم داد.

۳- قطعنامه ها- تصمیمات کمیسیون حقوق

بشر تحت عنوان قطعنامه (resolution) به تصویب اعضای کمیسیون می رسد و به شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) و مجمع عمومی سازمان ملل ارسال می شود. معمولاً قطعنامه ها در شورای اقتصادی و اجتماعی مورد تأیید قرار می گیرند.

پیشنهاد قطعنامه باید به صورت کتبی به وسیله یک یا چند دولت عضو تقدیم کمیسیون شود و درخواست تصمیم گیری نسبت به آن دولت های غیر عضو نیز طبق بند ۳ ماده ۶۹ آئین نامه داخلی کمیسیون می توانند پیشنهادات خود را مطرح نمایند، این پیشنهادات با درخواست هریک از دولت های عضو به رأی گیری گذاشته می شود، ممکن است پیشنهاداتی بدون رأی گیری و با اجماع به تصویب برسد.

طبق ماده ۵۸ آئین نامه داخلی، حد نصاب رأی لازم برای تصویب تصمیمات کمیسیون (قطعنامه ها) جز در موارد استثنایی، رأی مثبت اکثریت کشورهای عضو حاضر و رأی دهنده است و منظور از اعضای حاضر و رأی دهنده، دولت های عضو کمیسیون هستند که در رأی گیری شرکت نموده و رأی مثبت یا منفی می دهند، دولت هایی که رأی ممتنع می دهند در واقع از حیث احتساب اکثریت در حکم غائبین و اعضای که در رأی شرکت نکرده اند محسوب می شوند (بند ۲ ماده ۵۸) و البته طبق ماده ۴۰ آئین نامه، حضور اکثریت اعضا برای رسمیت جلسات لازم است.

گاهی اوقات هنگام طرح پیش نویس

قطعنامه‌ای برای رأی‌گیری، یکی از اعضا پیشنهاد عدم رأی‌گیری و خروج آن از دستور کار می‌نماید، (Motion Non Action) در صورتی که این پیشنهاد از اکثریت آرای مثبت برخوردار شود، رأی‌گیری روی اصل قطعنامه به عمل نمی‌آید و از دستور کار خارج می‌شود و اگر رأی اکثریت نیاورد، نسبت به اصل قطعنامه رأی‌گیری به عمل می‌آید.

به هر حال در اجلاس سال جاری نیز قطعنامه‌های متعددی در زمینه‌های مختلف مطرح شد که تعدادی از آنها بدون رأی‌گیری و با اجماع و برخی با رأی اکثریت تصویب شد و برخی هم از دستور کار خارج شدند و برخی نیز به تصویب نرسیدند. در اینجا به اجمال به چند نمونه از قطعنامه‌های مطروحه اشاره می‌کنیم:

قطعنامه شماره L.۴ مربوط به حق تعیین سرنوشت . قطعنامه دیگری که مربوط به فلسطین بود و با استناد به مقررات منشور و میثاق‌های بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد بین‌المللی بر حق غیرقابل انکار و مستمر مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خود و از جمله تشکیل دولت مستقل فلسطینی تأکید می‌کرد. با ۵۲ رأی مثبت و یک رأی منفی که مربوط به گواتمالا بود تصویب شد.

قطعنامه شماره L.۲۳ در مورد زیمبابوه . امسال، اتحادیه اروپا پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در رابطه با نقض حقوق بشر علیه زیمبابوه مطرح کرد که واکنش منفی و انتقادات زیادی

قطعنامه‌های مربوط به فلسطین . چندین قطعنامه در مورد فلسطین مطرح شد که اغلب با رأی بالایی به تصویب رسید.

یکی از قطعنامه‌ها، قطعنامه شماره L.۱۳ بود که در پی پیشنهاد کمیسر عالی حقوق بشر برای اعزام هیأتی به فلسطین اشغالی و تهیه و ارائه گزارش به کمیسیون مطرح شد و یک جلسه ویژه (special sitting) برای بحث و بررسی آن اختصاص یافت و تعداد زیادی از کشورهای عضو و غیر عضو به بهانه طرح قطعنامه صحبت کردند و دیدگاه‌های خود را در مورد وضعیت خاص خاورمیانه بیان کردند و سرانجام قطعنامه به رأی‌گیری گذاشته شد و با ۴۴ رأی مثبت در

را از سوی کشورهای آفریقایی برانگیخت و در مورد مغرضانه و سیاسی و گزینشی بودن آن بسیار سخن گفته شد و سرانجام نیجریه، پیشنهاد عدم انجام رأی گیری (Non Action) نسبت به قطعنامه پیشنهادی داد که با ۲۶ رأی مثبت در مقابل ۲۴ رأی منفی و ۳ رأی ممتنع پیشنهاد نیجریه به تصویب رسید و نتیجتاً قطعنامه زیمبابوه از رأی گیری خارج شد.

قطعنامه های متعدد دیگری نیز در رابطه با موضوعات مختلف به تصویب رسید که برخی از آنها از اهمیت خاصی برخوردار هستند و در این مقال مجال پرداختن به آنها نیست. تنها اشاره می کنیم به قطعنامه شماره L.۵ با عنوان پروتکل اختیاری مربوط به کنوانسیون ضد شکنجه که در یک مقدمه و ۳۷ ماده با ۲۹ رأی مثبت در برابر ۱۰ رأی منفی و ۱۴ رأی ممتنع به تصویب رسید، طبق این قطعنامه یک کمیسیون فرعی از سوی کمیته ضد شکنجه برای بررسی شکایات و مواردی که محتمل است شکنجه صورت گرفته باشد تشکیل می شود و دولت های عضو این پروتکل متعهد می شوند که به اعضای این کمیسیون فرعی اجازه دهند از زندان ها و بازداشتگاه های خود بازدید به عمل آورند.

بخش دوم - بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و رد قطعنامه پیشنهادی

سابقه موضوع - از همان سال های اولیه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، زمزمه نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران مخصوصاً در رابطه با اقلیت های مذهبی به گوش می خورد. نخستین بار مسئله ایران و نقض حقوق بشر در سال ۱۹۸۰ در کمیسیون فرعی حقوق بشر که به نام «کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و ارتقای حقوق بشر» نامیده می شد مطرح گردید، بعدها در سال ۱۹۹۹ به موجب قطعنامه شماره ۱۹۹۹/۲۵۶ نام کمیسیون فرعی به: «کمیسیون فرعی به منظور ارتقا و حمایت از حقوق بشر» تغییر یافت.

به هر حال در سال ۱۹۸۰ در قطعنامه کمیسیون فرعی از وضعیت حقوق بشر یکی از فرقه های عقیدتی، ابراز نگرانی شده و در سال های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ این معنی به صورت پررنگ تر مطرح و از دبیر کل سازمان ملل خواسته شد، در این زمینه اقدام کند با دولت ایران تماس برقرار نماید و با تعیین و اعزام نماینده چگونگی امر را روشن کند و از کمیسیون حقوق بشر خواسته شد که به این موضوع توجه نماید و با صدور قطعنامه ای وضعیت حقوق بشر در ایران را تحت نظارت ویژه قرار داده و نماینده ای برای رسیدگی به این امر تعیین نماید. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ در اجلاس چهلم کمیسیون حقوق بشر قطعنامه ای علیه ایران صادر شد و ضمن آن مقرر گردید نماینده ویژه ای برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین گردد. در بند ۴ قطعنامه مزبور آمده بود:

«از رئیس کمیسیون می خواهد که پس از مشورت، نماینده ویژه ای را تعیین کند که

وظیفه‌اش برقراری ارتباط با دولت جمهوری اسلامی ایران و انجام مطالعه کامل در مورد وضعیت حقوق بشر در آن کشور، بر مبنای اطلاعات واصله، از جمله نظرات و توضیحات ارائه شده از سوی آن دولت و انجام جمع‌بندی و پیشنهادات مناسب و تقدیم آن به اجلاس چهل و یکم کمیسیون حقوق بشر است...»

از آن سال تا به حال که پنجاه و هشتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر برگزار شد همه ساله گزارش نماینده ویژه تقدیم کمیسیون شد و کمیسیون هم قطعنامه‌ای صادر و در پایان آن بر ادامه نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران تصمیم‌گیری و مأموریت نماینده ویژه تمدید می‌شد.

نخستین قطعنامه از این نوع که در اجلاس چهارم صادر شد با ۲۱ رأی مثبت در مقابل ۶ رأی منفی و ۵ رأی ممتنع به تصویب رسید، در آن موقع کمیسیون ۴۳ عضو داشت، چنان‌که می‌دانیم بعدها، اعضای کمیسیون حقوق بشر به ۵۳ عضو افزایش یافت. در طول سال‌های مختلف این نسبت رأی منفی و ممتنع در مقابل رأی مثبت و در واقع فاصله نسبتاً زیادی که بین رأی مثبت به قطعنامه و رأی منفی وجود داشت با اندکی بالا و پایین حفظ شد، در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) قطعنامه ایران با ۲۶ رأی مثبت در مقابل ۷ رأی منفی و ۱۹ رأی ممتنع به تصویب رسید ولی در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) پس از انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ ریاست جمهوری نسبت آرا تغییر کرد، بر رأی منفی به میزان قابل

ملاحظه‌ای افزوده شد و از آرای مثبت مقداری کاسته شد، به طوری که قطعنامه سال (۱۳۷۷) (اجلاس ۵۴ کمیسیون) با ۲۳ رأی مثبت در برابر ۱۴ رأی منفی و ۱۶ رأی ممتنع تصویب شد و البته لحن صحبت‌ها و موضع‌گیری‌ها نیز نسبت به ایران متفاوت شد. افزایش آرای منفی و کم شدن فاصله آرای مثبت و منفی در طی سال‌های بعد نیز ادامه داشت، به طوری که قطعنامه سال گذشته با ۲۲ رأی مثبت و ۲۰ رأی منفی به تصویب رسید و همواره برخی از کشورهایی که رأی مثبت یا ممتنع به قطعنامه می‌دادند، در توضیح رأی خود اظهار امیدواری می‌کردند با پیشرفت روند اصلاحات در ایران و مشاهده بهتر شدن اوضاع در زمینه‌های مختلف حقوق بشر بتوانند از سال‌های آینده رأی منفی به قطعنامه بدهند. و اگر برخی ملاحظات و فشارهای سیاسی و وقوع بعضی اتفاقات در این سال‌های اخیر به خصوص همزمان با تشکیل کمیسیون حقوق بشر نبود بسیار محتمل بود که زودتر از این آرای مثبت و منفی مساوی یا آرای منفی فزونی یابد و قطعنامه به تصویب نرسد. ولی به هر حال در سال جاری این اتفاق افتاد و قطعنامه پیشنهادی علیه ایران که تحت شماره L.۳۳ از سوی اتحادیه اروپا مطرح شد با ۲۰ رأی منفی و ۱۹ رأی مثبت و ۱۴ رأی ممتنع رد شد. به نظر می‌رسد خالی از فایده نباشد که اندکی مشروح‌تر پیرامون وضعیت حقوق بشر ایران در اجلاس سال جاری، گزارش نماینده ویژه، دیدگاه‌های برخی از کشورها، مفاد

قطعنامه و بنیان آن، مطالبی که حول و حوش طرح قطعنامه ارائه شد و تحلیلی در مورد رد قطعنامه و اقداماتی که لازم است در آینده صورت گیرد بحث شود.

نگاهی به گزارش نماینده ویژه کمیسیون -

چنان که گفتیم از اجلاس چهلم کمیسیون (سال ۱۹۸۴) تا اجلاس جاری وضعیت حقوق بشر در ایران تحت نظارت کمیسیون و روند ویژه رسیدگی بود، و نماینده ویژه ای برای بررسی وضعیت و ارائه گزارش به کمیسیون و مجمع عمومی تعیین شده و هر ساله مأموریت او تمدید می شد، نماینده ویژه، ابتدا شخصی به نام «آکیلار» بود که برای مدت کوتاهی این وظیفه را به عهده داشت و بعد از او یک حقوقدان السالوادوری به نام گالیندوپل بود که مدتی نسبتاً طولانی در این مأموریت انجام وظیفه می کرد. سه مرتبه به ایران مسافرت کرد و یکبار پیشنهاد ده ماده ای تسلیم دولت ایران کرد که در صورت انجام این موارد گزارش مساعد و همراه با پیشنهاد خاتمه مأموریت نماینده ویژه و فارغ شدن ایران از وضعیت ویژه تسلیم کمیسیون نماید ولی این کار انجام نشد. از سال ۱۹۹۶، یک استاد حقوق بین الملل کانادایی به نام موریس دان بی کوپیترن که در سال های ۱۳۳۲ به بعد مدتی در سفارت کانادا در ایران انجام وظیفه می کرد به این سمت منصوب شد و تا امسال که با عدم تصویب قطعنامه، مأموریت او نیز خاتمه یافت، به عنوان

گزارشگر یا نماینده ویژه کمیسیون، وضعیت حقوق بشر در ایران بررسی و هر ساله گزارش مقدماتی به مجمع عمومی سازمان ملل و گزارش نهایی خود را به کمیسیون ارائه می داد و همواره در گزارش خود توصیه می کرد که وضعیت حقوق بشر ایران، همچنان باید تحت نظارت ویژه قرار داشته باشد.

آقای کوپیترن در نخستین سال مأموریت خود به ایران آمد (سال ۱۳۷۵) ولی در سال های بعد با بازدید او از ایران از سوی مقامات مربوطه موافقت نشد و همواره در قطعنامه ها از این امر به عنوان یکی از موارد عدم همکاری دولت ایران با مکانیزم حقوق بشر سازمان ملل یاد و ابراز تأسف می شد. کوپیترن، فرد مطلع و کم و بیش آشنا با خصوصیات و خلیقات ایرانیان به نظر می رسید و خود را به عنوان یک فرد بی طرف و منصف که سعی می کند نکات مثبت و منفی در زمینه حقوق بشر در ایران را در گزارش خود بیاورد، در بین مقامات مربوط جانداخته بود.

گزارش های او از ادبیات خاص و جالبی برخوردار بود که هم تمام زوایای مربوط به نقض حقوق بشر را مطرح و بررسی می کرد و گاه موارد نادری را نیز ذکر می نمود و چهره تاریک و منفی از وضعیت حقوق بشر در ایران ترسیم می کرد و هم به عنوان فردی که از نزدیک ناظر بر اوضاع سیاسی و مطلع بر امور است، تحلیل سیاسی ظریفی ارائه می داد، در سال های اخیر بدعتی گذاشته بود که به بهانه پرداختن به

مسئله بهبود و ارتقای حقوق بشر و احیاناً نقض موازین حقوق بشری، مسائل و معضلات مختلف اجتماعی از قبیل شیوع فساد مالی و یا فحشا و فقر و تنگدستی گروهی از مردم مخصوصاً در حواشی مرزی کشور و استان سیستان و بلوچستان می‌پرداخت. در ارتباط با مسئله اقلیت‌ها، علاوه بر طرح مسائل مربوط به اقلیت‌های دینی یهودی، مسیحی و زرتشتی و اقلیت غیر رسمی بهائی، سنی‌ها را نیز به عنوان اقلیت‌های دینی مطرح و برخی مسائل و مطالب آنها مانند نداشتن مسجد در تهران و غیره را مطرح می‌کرد به علاوه به اقلیت‌های قومی و نژادی نیز می‌پرداخت و از جمله ترک‌ها را به عنوان یک اقلیت قومی زبانی بزرگ که گاه برخی حقوقشان رعایت نمی‌شود مورد بحث قرار می‌داد، در مورد وضع زن‌ها و مقررات و رفتارهای تبعیض آمیز علیه آنان حساسیت نشان می‌داد و در ارتباط با پیشرفت‌ها و تلاش‌های سال‌های اخیر، جز در موارد آموزشی و بهداشتی، اقدامات را در حد حرف زدن و بحث کردن می‌دانست و همواره تأکید می‌کرد تبعیض علیه زنان در قانون و در عمل وجود دارد و کار اساسی برای رفع آن صورت نگرفته است.

در گزارش خود می‌آورد و هر اقدام مثبتی که در زمینه حقوق بشر به اطلاع می‌رسید، آن را در گزارش خود منعکس می‌کرد و سعی می‌کرد علاقه و احترام خود را به مردم ایران و تمدن ایرانی و نیز سربلندی ایران ابراز دارد.

به هر حال، گزارش کویپتین به اجلاس ۵۸ کمیسیون، آخرین گزارش او محسوب می‌شود که گزارش مشروح و مکتوب او در ۳۳ صفحه منتشر شد و حضوری نیز در اجلاس کمیسیون ضمن معرفی گزارش خود، به طور فشرده وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران را ترسیم کرد، جهت آگاهی علاقمندان در این قسمت فقط به اظهارات چند دقیقه‌ای نماینده ویژه در اجلاس کمیسیون و قسمت خلاصه و جمع بندی گزارش مکتوب و مشروح او اشاره می‌کنیم.

اظهارات شفاهی نماینده ویژه در کمیسیون حقوق بشر - ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه ۱۴ فروردین ماه ۱۳۸۱ آقای کویپتین در جلسه کمیسیون حقوق بشر حضور یافت و خطاب به اعضای کمیسیون و حضار اظهار داشت، من اینجا آمده‌ام تا به معرفی آخرین گزارش خود در مورد حقوق بشر در ایران بپردازم و امیدوارم گزارش مکتوب من که در اختیار شماست و اظهاراتی که اینجا می‌نمایم اثر مثبتی در بهبود وضع حقوق بشر در ایران داشته باشد.

وی آنگاه گفت: همان طور که در گزارش قبلی خود به مجمع عمومی یادآور شدم، از شورای نگهبان و موضع‌گیری‌های آن در برابر مصوبات اصلاح طلبانه مجلس و نیز در رابطه با انتخابات و رد صلاحیت کاندیداها، انتقاد و گاه نصایح پدارنه می‌نمود در عین حال، هرگونه پاسخی از دولت ایران دریافت می‌کرد

- ارزش‌های حقوق بشری دارد به سرعت در جامعه ایران وارد می‌شود ولی اجرای آنها به وسیله دولت، همچنان کمتر از انتظارات عمومی است. متأسفانه نشانه مشهودی از بهبود و پیشرفت قابل قبولی در زمینه رعایت و اجرای معیارهای بین‌الملل حقوق بشر که مورد قبول مقامات هم قرار گرفته به چشم نمی‌خورد. من ناگزیرم بگویم که ایران مخصوصاً حکومت ایران، از جمله نهادهای دولتی و شبه دولتی، هنوز راه طولانی را برای بهبود اوضاع باید پیماید، کسانی که بیشترین قدرت در مراتب دولتی را در دست دارند، در مجموع رعایت قانون نمی‌کنند.
- آن گونه که من می‌بینم، ایران امروز، مرکز مبارزه بین حکومتگران منتخب و غیرمنتخب است و به روشنی مشخص است که غیرمنتخبین، هنوز قدرت را در دست دارند و خواست مردم نادیده گرفته می‌شود.
- کوپیترن آن گاه، در هشت بند وضعیت حقوق بشری را که مردم ایران امروزه با آن مواجه هستند به شرح زیر بیان کرد:
- ۱- نخبگان قدرتمند همچنان، برای مقابله با مخالفان دولت یا مذهب از خشونت استفاده می‌کنند، فعالان سیاسی از خیابان روبرو می‌شوند و پس از ماه‌ها در یکی از زندان‌های امنیتی پیدا می‌شوند.
 - ۲- آزار و اذیت و توقیف خبرنگاران اصلاح طلب و دانشجویان فعال سیاسی زیادتر شده است.
 - ۳- گزارش‌های واصله از جمله اظهارات شهود
- عینی حکایت از نقض حقوق بازداشت شدگان، از جمله زندان‌های انفرادی طولانی مدت، گرفتن اقرار اجباری، عدم توجه به وضعیت پزشکی بازداشت شدگان، امتناع از ملاقات آنها با اقوام و وکلای خود، اعمال شکنجه‌های روحی و گاه جسمی، دارد، یک گزارشی که اخیراً دریافت شده حاکی است روزنامه نگاری که پس از یک سال با وثیقه از زندان آزاد شده بود به لحاظ ابتلا به فلج، یکسره به بیمارستان برده شده است.
- ۴- مرگ‌ها و اعدام‌های مشکوک، طبق گزارشات، همچنان ادامه دارد که برخی مواقع در مورد اقلیت‌های قومی اعمال می‌شود.
- ۵- مدافعین حقوقی در معرض تهدید هستند اخیراً گزارش شده که یکی از مدافعین حقوق بشر به اتهامات مختلف در یک دادگاه نظامی به ۵ سال حبس و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شده است.
- ۶- در مورد اقلیت‌ها، اخیراً گزارش شده که یک روزنامه محلی که در شهر ترک زبان تبریز منتشر می‌شد از استفاده از زبان ترکی منع شده است.
- ۷- بسیاری از مصوبات اصلاح طلبانه مجلس از جمله بودجه، سرمایه‌گذاری خارجی، شفاف‌تر کردن روند انتخابات رد شده‌اند. برخی از مصوبات مانند قانون مربوط به بالابردن سن ازدواج دختران که هم اکنون ۹ سال است، همچنان بلا تکلیف مانده است.
- ۸- در ارتباط با شکنجه طبق گزارش مطبوعات

ایران، رئیس قوه قضائیه اخیراً اعلام کرده است که شکنجه به نحو گسترده‌ای در مراجع مختلف امنیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ماه گذشته مجلس پیش نویس طرح قانونی منع شکنجه را تصویب کرد که باید بینیم تأیید می‌شود یا خیر؟ کوپیترن، پس از آن که به طور فشرده طی ۸ بند، چهره‌ای منفی از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرد، طبق عادت مألوف، سخن خود را به جملاتی مؤدبانه و احترام‌آمیز در مورد مردم ایران و آرزوی بهروزی برای آنها پایان داد و گفت: می‌خواهم یک حقیقت تاریخی را که فکر می‌کنم همه ایرانیان آن رابه خوبی می‌دانند، برای شنوندگانم خاطر نشان کنم. ایرانیان معتقدند نخستین پادشاه ایران به نام کیومرث، حدود ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد، نخستین مجموعه قانونی را برای مردم وضع کرد. قرن‌ها بعد در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، کوروش، پادشاه معروف ایران، در واقع نخستین اعلامیه حقوق بشر را صادر کرد. مردم ایران، استحقاق وضعی بهتر از آنچه امروز شاهد آن هستند دارند و من از صمیم قلب آرزو می‌کنم در تلاش‌های خود برای رسیدن به آن وضع بهتر کامیاب شوند.

اشاره‌ای به گزارش کتبی نماینده ویژه - گزارش مکتوب امسال آقای کوپیترن به کمیسیون حقوق بشر که طی شماره E/CN.۴/۲۰۰۲/۴۲ ثبت و منتشر شده آخرین گزارش او محسوب می‌شود. از سال ۱۹۹۶ سالی دو بار و مجموعاً ۱۴

گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر داده است. در سال‌های اخیر، علاوه بر بیان و شرح وقایع، به تحلیل مسائل ایران و اوضاع سیاسی و روند فرهنگ حقوق بشر در ایران پرداخته و چنان که قبلاً گفتیم اظهار نظرهای کارشناسانه و گاه نصیحت گونه نیز نموده است، در این قسمت بدون ورود به بیان تفصیل گزارش فقط به انعکاس قسمتی از بخش خلاصه، مقدمه و جمع بندی گزارش که حاوی دیدگاه‌های کلی اوست می‌پردازیم.

آقای کوپیترن در ابتدای گزارش خود تحت عنوان خلاصه بیان مطلب، در چند پاراگراف، نگاه کلی خود را به وضعیت حقوق بشر در ایران بیان می‌دارد وی در این قسمت می‌گوید، در سال گذشته علی‌رغم وجود موانع متعدد، درخواست انجام اصلاحات از سوی مردم ایران، همچنان رو به فزونی بود. ستون اصلی این اصلاحات، ظهور تدریجی عدم تحمل نقض حقوق بشر هم در ارتباط با معیارهای شناخته شده بین‌المللی و هم در ارتباط با معیارهای مندرج در قانون اساسی به شمار می‌روند. از جمله موانع ادامه اصلاحات، سرکوب مطبوعات اصلاح طلب و زندانی کردن روزنامه‌نگاران بود. این امر اثر منفی روی ارتقای حقوق بشر در کشور داشت.

وضعیت زنان، فقط در این حد که درخواست‌های زنان و طرفداران آنها آشکارا مطرح می‌شود، بهبود یافته است. قوانین و

مقررات تبعیض آمیز همچنان وجود دارد و تلاش‌های قوه مقننه برای تغییر این وضع از سوی نخبگان محافظه کار متوقف می‌شود.

تغییر سیستم قضایی به نحو آزردهنده‌ای کند است، بد رفتاری با زندانیان در بازداشت‌های قبل از محاکمه در رابطه با موضوعاتی که به نظر می‌رسد طبع سیاسی دارد همچنان روبه افزایش است. معیارهای پذیرفته شده برای محاکمه عادلانه به وضوح نادیده گرفته می‌شود. بسیاری از مجازات‌ها از جمله مجازات سنگسار، نقض فاحش معیارهای بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌شوند.

رفتار باروشنفکران و مخالفین، به خصوص از سوی نیروهای امنیتی و قوه قضائیه، نمایانگر عدم تحمل دیدگاه‌های متفاوت است. نحوه رفتار با بسیاری از این زندانیان، نقض اصول قانون اساسی ایران و موازین پذیرفته شده بین‌المللی است و در بعضی موارد شرارت آمیز حساب می‌شود.

در زمینه تبعیض‌های رسمی و اجتماعی که اقلیت‌های مذهبی با آن مواجه هستند به نظر می‌رسد، مختصر تغییری ایجاد شده است. گاه به گاه، برخی از این گروه‌ها تحت تعقیب قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، اقلیت‌ها بیشتر در خواست‌های اصلاح وضع خود را مطرح می‌کنند.

در زمینه اقتصادی، تورم، بیکاری و فقر، از علل بدتر شدن وضع اقتصادی و اجتماعی بسیاری از ایرانیان است. به نظر می‌رسد رهبران

ایران وخامت اوضاع را درک کرده‌اند ولی در حل آن کندی نشان می‌دهند.

نماینده ویژه کمیسیون در مقدمه گزارش خود در ۹ بند، تجزیه و تحلیل سیاسی و حقوق بشری خود را در مورد ایران بیان می‌دارد. وی با ذکر این که این گزارش آخرین گزارش اوست و می‌خواهد صریح‌تر صحبت کند، می‌گوید: ایران یک کشور در حال انتقال است ولی این روند، مورد مخالفت یک گروه اقلیت نخبه است که معتقدند مقدّسات انقلاب که طبق تعریف آنها شامل مقدّسات مذهبی می‌شود، در خطر افتاده است. ولی طرفداران تغییرات، بر این باورند که نظام حکومتی یا باید هم اکنون اصلاح شود و یا نابود خواهد شد و وضع موجود قابل دوام نیست، این دو دیدگاه در واقع همان اختلاف سنتی بین کسانی است که به ثبات و لایتغیر بودن ارزش‌ها به طور مطلق پایبند هستند و کسانی که معتقدند زمان و مکان در شناخت ارزش‌ها نقش دارند. در ایران در زمینه نقش مذهب در حکومت، سخت اختلاف نظر وجود دارد. شمار روزافزونی از روشنفکران که در بین آنها روحانیون در سطوح مختلف نیز وجود دارند، طرفدار جدایی دین از سیاست و انجام اصلاحات در حکومت هستند. یکی از جوانان فعال سیاسی گفته است: ما دموکراسی ای نمی‌خواهیم که دین را کنار بگذارد ولی مایل هم نیستیم دموکراسی به وسیله کسانی که لباس مذهبی دارند سرکوب شود.

روند انتقال که غیر قابل اجتناب به نظر

می‌رسد، به خاطر فقدان یک اجماع نظر صلح‌آمیز، دردناک و پرهزینه است. به گفته یکی از فضلای ایرانی، «فرهنگ سیاسی ایرانیان هنوز تحت نفوذ باورها و معیارهای دوران ستم شاهی و استبداد است.»

آقای کوپیترن از سوی دیگر از بروز خشونت و توسل به خشونت از سوی برخی از عناصر در جامعه ایران یاد می‌کند و از استفاده از مذهب برای توجیه توسل به خشونت و اعمال غیر اخلاقی اظهار تأسف می‌کند. و می‌گوید: توسل به خشونت به هر علتی، عمیقاً نظم و قانون و اعتبار دولت و شکوفایی جامعه مدنی

را از بین می‌برد.

وی به هر حال آخرین بند گزارش خود را

با این عبارات به پایان می‌رساند: نماینده ویژه متأسف است که در این گزارش نهایی نمی‌تواند مطلب دیگری جز بازتاب آرزوی رئیس جمهور برای کشورش را بیان نماید، مردم ایران قطعاً حق دارند ببینند و در واقع می‌توانند آمدن روزی را مطالبه کنند، که فرهنگ حقوق بشر در این سرزمین باستانی که سهم عظیمی در تاریخ تمدن جهان دارد شکوفا شده باشد.

به نظر می‌رسد نقل همین مقدار از تحلیل‌ها و دیدگاه‌های فردی که سال‌ها به عنوان نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران فعالیت می‌نموده و گزارش و اظهار نظرهای او از عوامل مؤثر در نوع تصمیم‌گیری کمیسیون بوده است، برای بی‌بردن به نگرش حاکم بر وضع ایران کافی باشد و نیازی به پرداختن به شرحی که تحت

از سوی دیگر، بحث‌های حقوق بشر در حال تغییر است، در شش سال گذشته، مسلماً فضای بازتری در رسانه‌های گروهی و در مجلس به وجود آمده است. هم اکنون می‌توان آزادانه از مصالح و منافع فردی، جدا از مصالح دولت و از لزوم داشتن ترتیبات نهادینه شده و واقعاً مستقل در جهت حمایت از حقوق افراد در برابر مظالم دولت سخن گفت.

نماینده ویژه در فراز پایانی مقدمه گزارش خود گفته است، از نظر او مانع اصلی اصلاحات و تقویت فرهنگ حقوق بشر، قوه قضائیه، مسئولان و حامیان آن است، اینها یک گروه کوچک در یک کشور ۶۵ میلیونی هستند و بار سنگین مسئولیت نقض حقوق بشر در ایران را به دوش می‌کشند.

آقای کوپیترن در بخش پایانی گزارش

عناوین مختلف در گزارش خود آورده است در این مقال نیست. ولی این معنی را نیز باید متذکر شد که در جریان بحث‌های اجلاس کمیسیون حقوق بشر مخصوصاً در رابطه با بند (item) ۹ دستور العمل کمیسیون تحت عنوان مسئله نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در گوشه و کنار دنیا برخی دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی اشاراتی به ایران داشتند و ادعای نقض حقوق بشر در ایران را مطرح کردند، از جمله اسپانیا که به نمایندگی از اتحادیه اروپا سخن می‌گفت و نمایندگان آمریکا و کانادا و برخی کشورهای دیگر اروپایی اشارات کوتاهی به ایران نمودند.

طرح پیش نویس قطعنامه علیه جمهوری

اسلامی ایران- به هر حال در این حال و هوا و فضای حاکم بر کمیسیون و پخش و معرفی گزارش نماینده ویژه که منظر کلی آن ارائه شد،

طبق سنوات پیشین، اتحادیه اروپا پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تهیه کرد که در دبیرخانه کمیسیون ثبت و تحت شماره: L.۳۳/۲۰۰۲/۴ E/CN. توزیع شد.

قطعنامه به روال سال‌های گذشته مشتمل بر ۸ بند با عناوین خوشامدگویی، مورد توجه قرار دادن، بانگرانی توجه کردن، اظهار تأسف کردن، اظهار نگرانی کردن، فراخوان دولت، درخواست از دبیرکل، و تصمیم گرفتن بود.

در بند اول از شرکت وسیع مردم در انتخابات مختلف از سال ۱۹۹۷ به بعد استقبال شد. همچنین حذف شرط مذهب برای ثبت ازدواج، طلاق و تولد، به عنوان یک گام مثبت تلقی شده و نیز توجه مثبت به کودکان در زمینه آموزش، بهداشت، دادگاه نوجوانان، روند اصلاحات، اقدامات مربوط به تصویب قوانین

نمایند سازمان دیده‌بان حقوق بشر (Human Rights Watch) در یک سخنرانی نسبتاً تندی، وضعیت حقوق بشر در ایران را بدتر از گذشته توصیف کرد و به خصوص به ظهور برخی مراکز بازداشت غیرقانونی نظیر زندان موسوم به زندان ۱۵۹ اشاره نمود که به گفته او به وسیله پاسداران دادگاه انقلاب و نیروهای مخفی شبه نظامی اداره می‌شود و کاملاً خارج از دید مقامات رسمی است. در بعضی موارد زندانیان سیاسی ماه‌ها بدون اطلاع خانواده و کلایشان و یا بدون حق ملاقات با آنها در این زندان نگهداری می‌شوند. همچنین به مسئله اجرای اعدام و شلاق در ملأ عام اشاره و از آن انتقاد نمود. در خصوص مطبوعات نیز گفت: تاکنون بیش از ۶۵ روزنامه و مجله بسته شده و بسیاری از مدیران مسئول و روزنامه نگاران به

در زمینه حمایت از صغار، حرکت مجلس به سمت اجرایی کردن اصل ۳۸ قانون اساسی درخصوص منع شکنجه و تجدید تشکیل کمیسیون حقوق بشر مجلس (موضوعی که ما به خوبی از آن اطلاع نداریم) به عنوان امور مثبت و مورد استقبال کمیسیون ذکر شده است. در بند ۲ تلاش دولت جمهوری اسلامی ایران برای تقویت احترام به حقوق بشر، پیشرفت‌های حاصله در زمینه آموزش و بهداشت زنان طبق گزارش نماینده ویژه، تشکیل کمیته‌ای برای بررسی و اصلاح وضع اقلیت‌های مذهبی، مورد توجه قرار گرفته و در بند ۳ از ادامه نقض حقوق بشر در ایران و عدم اجرای کامل موازین بین‌المللی در دادگستری و محاکمات، تبعیض علیه زنان در قانون و درعمل، رد شدن لایحه مربوط به بالا بردن سن ازدواج دختران، روشن نشدن کامل مسئله قتل‌های زنجیره‌ای با نگرانی یاد شده است. در بند ۴، از نپذیرفتن نماینده ویژه برای بازدید از ایران اظهار تأسف شده و در بند ۵ از بدتر شدن وضعیت آزادی عقیده و بیان، به خصوص حمله به آزادی مطبوعات و زندانی کردن روزنامه‌نگاران، روشنفکران، فعالان سیاسی، اعضای نهضت آزادی و گروه‌های موسوم به ملی- مذهبی، اعمال شکنجه و مجازات‌های خشن، از جمله سنگسار و ادامه تبعیض در مورد اقلیت‌های مذهبی ابراز نگرانی شده است.

در بند ۶ قطعنامه پیشنهادی که نسبتاً مفصل است، دولت جمهوری اسلامی ایران به انجام اموری فراخوانده شده است که از جمله آنها؛ اجرای توصیه‌های کمیته حقوق کودک، و به خصوص بررسی تصویب کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار درخصوص اقدام برای امحای بدترین اشکال کار کودک، همکاری با مکانیزم حقوق بشر سازمان ملل به خصوص دعوت از نماینده ویژه برای دیدار از کشور، تسریع در اصلاح قضایی و تضمین احترام به حیثیت افراد، تصویب هر چه زودتر قانون مناسب به منظور جلوگیری از مجازات کسانی که در مقام اعمال آزادی‌های سیاسی خود برمی‌آیند. دعوت گروه کاری ناپدید شدگان اجباری، رفع هر نوع تبعیض براساس مذهب، عدم اجرای مجازات اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال، تضمین احترام به آزادی بیان می‌باشد. در بند ۷ از دیر کل سازمان ملل خواسته شده که مساعدت لازم را برای انجام وظیفه نماینده ویژه بنماید و سرانجام، بند ۸ تصمیم کمیسیون را به تمدید مأموریت نماینده ویژه برای یک سال دیگر، ارائه گزارش به جلسات مجمع عمومی و کمیسیون اعلام می‌دارد.

بانیان قطعنامه - حدود ۳۱ کشور، به عنوان بانی قطعنامه، پیش‌نویس مربوطه را امضا و برای طرح در کمیسیون تقدیم کردند، از این ۳۱ کشور ۱۱ کشور عضو کمیسیون و دارای حق رأی بودند و بقیه، کشورهای غیر عضو و ناظر بودند که طبق مقررات آئین‌نامه کمیسیون می‌توانند در طرح پیش‌نویس قطعنامه شرکت

کنند. اسامی کشورهای بانی قطعنامه به شرح زیر است:

اتریش، بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لهستان، پرتغال، اسپانیا، سوئد، انگلیس، (اعضای کمیسیون)، بلغارستان، دانمارک، استونی، فنلاند، یونان، مجارستان، ایسلند، لیختن اشتاین، لیتوانی، لوکزامبورگ، مالتا، موناکو، هلند، نیوزیلند، نورژ، رومانی، اسلواکی، اسلوانی، سوئیس، و آمریکا (کشورهای غیر عضو) سه کشور هم هنگام طرح قطعنامه به بانیان ملحق شدند که جمعاً ۳۴ کشور بانی قطعنامه بودند و به طوری که ملاحظه می شود جملگی اروپایی و آمریکایی اند.

معرفی قطعنامه و اظهارات نمایندگان دولت‌ها- نماینده اسپانیا از طرف اتحادیه اروپا به معرفی قطعنامه پیشنهادی پرداخت و اظهار داشت؛ هر چند اصلاحاتی در ایران به عمل آمده است، اما همچنان در موارد مختلف حقوق بشر نقض می شود و از کمیسیون خواست، قطعنامه پیشنهادی را تصویب نماید و مأموریت نمایند ویژه را تمدید کند.

طبق مقررات آیین نامه داخلی کمیسیون، پس از معرفی قطعنامه، دولت‌های عضو، می توانند نظرات کلی خود را پیرامون قطعنامه پیشنهادی اعلام و احیاناً مواضع خود را در رأی گیری بیان دارند و کشور مربوطه نیز می تواند توضیحات لازم را ارائه و دیدگاه‌های خود را بیان کند و سپس در صورت درخواست

رأی از سوی یکی از کشورهای عضو، قطعنامه به رأی گیری گذاشته می شود، پس از رأی گیری نیز هر یک از کشورها به عنوان توضیح بعد از رأی می تواند دلایل تصمیم خود را بیان دارد.

به هر حال، پس از معرفی قطعنامه ایران از سوی اسپانیا که در ساعت ۱۲/۱۰ صبح روز دوشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۸۱ (۲۲ آوریل ۲۰۰۲) به عمل آمد، نمایندگان ۷ دولت علیه قطعنامه و به نفع ایران صحبت کردند، این ۷ دولت عبارت بودند از: پاکستان، الجزایر، چین، لیبی، کوبا، سودان و سوریه. نمایندگان هر یک از این دولت‌ها با اشاره به گزینشی و سیاسی بودن قطعنامه و عدم توجه به اصلاحات و پیشرفت‌های حاصله در ایران و این که صدور این نوع قطعنامه به جای تأثیر مثبت می تواند تأثیر منفی در تلاش‌های مربوط به ارتقای حقوق بشر داشته باشد، موضع کشور خود را مبنی بر دادن رأی منفی به قطعنامه اعلام داشتند.

نماینده پاکستان که قبلاً هم در سخنرانی خود در کمیسیون به مناسبت دیگری موضع سازمان کنفرانس اسلامی را در مورد صدور قطعنامه علیه ایران بیان داشته و گفته بود: سازمان کنفرانس اسلامی، مصرّاً از کمیسیون می خواهد که به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و ارائه قطعنامه علیه آن کشور که ۱۹ سال است جریان دارد، پایان دهد، و اعلام داشته بود سازمان کنفرانس اسلامی، این قطعنامه را یک جهت گیری سیاسی می داند که بدون توجه به پیشرفت‌های حاصله در ایران در

زمینه بهبود وضعیت حقوق بشر از سوی عده‌ای مطرح می‌شود، در این جلسه نیز اظهار داشت، طرح این قطعنامه علیه ایران، گزینشی، سیاسی و بدون در نظر گرفتن پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای است که در ایران صورت گرفته و مورد قبول جامعه بین‌المللی است و اشاره کرد، طرح قطعنامه علیه ایران یک امر تکراری و سنتی شده است که حتی بانیان قطعنامه دچار تناقض گویی و بی‌توجهی در بیان مطالب شده‌اند. از یک سو پیشرفت‌های حاصله و اصلاحات به عمل آمده در ایران در زمینه حقوق بشر مورد تقدیر قرار می‌گیرد و از سوی دیگر به خاطر نقض حقوق بشر محکوم می‌شود. بی‌اطلاعی بانیان قطعنامه تا آن حد است که در قطعنامه دولت ایران را به بررسی تصویب کنوانسیون مربوط به امحای بدترین اشکال کار کودک فراخوانده‌اند در حالی که مدتی است این کنوانسیون و قانون مربوط به آن از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است و حتی کویترین نماینده ویژه کمیسیون هم در گزارش مکتوب خود به این امر تصریح کرده است، سرانجام مخالفت دولت خود را با این قطعنامه اعلام و از اعضای کمیسیون خواسته آن رأی منفی بدهند.

اظهارات نماینده جمهوری اسلامی ایران-
 نماینده جمهوری اسلامی ایران نیز پس از طرح قطعنامه و قبل از رأی‌گیری، نطق کوتاه و نسبتاً

وزین و متینی ایراد کرد و گفت: یک بار دیگر بر مبنای سنت رایج و برنامه از پیش تعیین شده، بررسی قطعنامه مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران، در کمیسیون مطرح است. سوالی که به ذهن هر ناظر بی‌طرفی خطور می‌کند، این است که آیا این سنت نتیجه یک روند عادلانه و حاصل مشارکت خواست دستجمعی اعضای کمیسیون است یا اقدام بی‌حاصل عده قلیلی از دولت‌هاست که به منظور اهداف سیاسی خاص و سود جویانه خود صورت می‌دهند. کمتر کسی تردید دارد که مکانیزم حقوق بشر سازمان ملل در خدمت منافع اقتصادی و سیاسی تعداد کمی از دولت‌ها قرار دارد. حقیقت تلخ این است که نظام سازمان ملل متحد گروگان هوس‌ها و امیال اقلیت قدرتمندی است که ناعادلانه خواستار اعمال فشار بر کشورهای است که در خط آنها قرار ندارند و در این اوضاع و احوال، اعتبار و حیثیت سازمان ملل لطمه می‌بیند و در واقع لطمه دیده است.

نماینده ایران آن‌گاه گفت: در واقع ارتقا و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از اهداف اولویت دار سازمان ملل است و برای تحقق آن هیچ‌بخش از جهان نباید از رسیدگی و اعمال نظارت سازمان ملل مصون باشد. ولی عقل جمعی ما حکم می‌کند که نظام نظارتی کنونی حقوق بشر سازمان ملل گزینشی، یک جانبه و غیر سازنده است و سوال این است که آیا دارویی برای این نظام بیمار در زمینه حقوق بشر وجود دارد؟ طبعاً در صورتی که روح

تفاهم و همکاری در میان تمام اعضا به منظور نخواهد گرفت.

رسیدن به اهداف مقدس منشور ملل متحد در زمینه حقوق بشر وجود داشته باشد، پاسخ مثبت خواهد بود.

نماینده ایران، سپس در ارتباط با سنت هر ساله طرح قطعنامه علیه ایران که حدود دو دهه از عمر آن می‌گذرد، گفت: در سال‌های اخیر، به نحو فزاینده‌ای مسئله قطعنامه ایران موضوعی منزوی و کم طرفدار شده است و نتوانسته حمایت اکثریت دولت‌های عضو کمیسیون را به خود جلب کند. علت اصلی این امر، بی‌توجهی دولت‌های بانی قطعنامه به پیشرفت‌های ایران و عدم تمایل آنها به همکاری است.

در واقع تصویب قطعنامه علیه ایران، نه اثری در ارتقا و حمایت از حقوق بشر دارد و نه موجب تحرک بیشتر بخش‌های غیردولتی در پیشبرد حقوق بشر می‌شود.

پیش‌نویس قطعنامه نقض حقوق بشر در ایران به وسیله کسانی به کمیسیون تقدیم شده است که درست همین چند روز پیش به هنگام طرح قطعنامه‌ای علیه اعمال اسرائیل در

سرزمین‌های اشغالی، ترجیح دادند چشمان خود را بر جنایات اسرائیل در قتل عام فلسطینیان ببندند و به قطعنامه رأی ندهند.

کوتاه سخن این که سیاست تحقیر ایران و وارونه جلوه دادن حقایق، شکست خورده است. ۲۰ سال اعمال این سیاست بی‌حاصل می‌بایست این درس را به بانیان قطعنامه داده باشد که ایران زیر نفوذ چنین سیاستی قرار

نتیجه رأی‌گیری در مورد قطعنامه و رأی دهندگان - سرانجام قطعنامه پیشنهادی علیه

ایران به رأی‌گیری گذاشته شد و نتیجه به این شرح اعلام شد: ۱۹ رأی مثبت، ۲۰ رأی منفی، و ۱۴ رأی ممتنع، و بدین ترتیب پس از ۱۹ سال، قطعنامه پیشنهادی علیه ایران به تصویب نرسید و رد آن از سوی رئیس کمیسیون اعلام شد، عده‌ای از نمایندگان دولت‌ها که موافق

جمهوری اسلامی ایران بودند ابراز احساسات کردند و ردّ قطعنامه را تبریک گفتند بدین ترتیب، در حال حاضر ایران از وضعیت ویژه خارج شد و ماموریت نماینده ویژه کمیسیون در مورد ایران نیز پایان پذیرفت.

کشورهایی که به قطعنامه رأی مثبت دادند عبارت‌اند از: آرژانتین، اتریش، بلژیک، کانادا، کاستاریکا، کرواسی، جمهوری چک، اکوادور، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، پرو، لهستان، پرتغال، اسپانیا، سوئد و انگلستان.

کشورهایی که رأی منفی دادند بدین شرح‌اند: الجزایر، ارمنستان، بحرین، چین، کوبا، جمهوری دموکراتیک کنگو، هند، اندونزی، لیبی، مالزی، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، سنگال، سودان، سوریه، توگو، ونزوئلا و ویتنام. رأی کشورهای ذیل ممتنع بود:

برزیل، برونودی، کامرون، شیلی، گواتمالا، کنیا، جمهوری کره، سیرالئون، آفریقای جنوبی، سوازیلند، تایلند، اوگاندا، اوروگوئه و زامبیا.

علل ردّ قطعنامه، پیامدها و وظایف دولت -

مسئله ردّ قطعنامه پیشنهادی علیه جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون حقوق بشر، برای اعتبار و حیثیت و عزت و عظمت دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران بسیار قابل ملاحظه بوده و باید آن را معتنم شمرد و در حفظ این وضعیت جدید کوشید، اهمیت این وضع وقتی مشهود است که توجه کنیم از اجلاس چهارم کمیسیون تاکنون ۱۸ سال است علیه جمهوری

اسلامی ایران به عنوان نقض حقوق بشر قطعنامه صادر می‌شده و نام ایران که به عنوان نخستین صادر کننده حقوق بشر از آن یاد می‌شده و با انقلاب اسلامی و برپاداشتن حکومت اسلامی، مدعی اجرای حکومت حق و عدل قرآن بوده و در سال‌های اخیر مبتکر گفتگوی تمدن‌ها شده است، در ردیف ده - دوازده کشور از قبیل افغانستان، میانمار، گینه، سیرالئون، برونودی، عراق، سودان و امثال آنها، به عنوان کشوری که به طور سیستماتیک نقض حقوق بشر می‌نماید و وضعیت آن باید تحت نظارت ویژه کمیسیون باشد قرار گرفته بود. جالب این است که از میان ده کشوری که در اجلاس سال جاری کمیسیون دارای وضعیت نظارتی خاص و گزارشگر ویژه بودند، قطعنامه حدود ۵ کشور چون افغانستان، یوگسلاوی سابق، برونودی، کنگو، گینه بدون رأی‌گیری و با توافق خود کشورها تصویب شد و این بدین معنی است که همکاری‌های لازم بین این کشورها و سیستم نظارتی سازمان ملل صورت گرفته و به سمت پایان دادن به طرح قطعنامه در اجلاس آتی کمیسیون پیش می‌روند. برای کسانی که سال‌های متمادی ناظر طرح مسئله نقض حقوق بشر از سوی ایران در کمیسیون بوده و طعم تلخ صدور قطعنامه را چشیده و غیرت ملی و مذهبی شان جریحه‌دار شده بود، روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۱، روز تاریخی و غرور آفرینی بود. این مسئله مهم است که مسئولان کشور و تصمیم‌گیران نظام باورشان

شود که داشتن قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر، موجب سرافکنده‌گی نظام و کشور و برخلاف عزت و اقتدار حکومت است و در نتیجه بپذیرند که نباید نسبت به آن بی تفاوت باشند و حال که به هر علت قطعنامه شکست خورد و تصویب نشد، به هر وسیله ممکن برای حفظ این وضع تلاش نمایند.

در اجلاس سال جاری، عوامل گوناگونی موجب رأی نیاوردن قطعنامه شد؛ از یک طرف تلاش سیاسی مدبرانه‌ای از سوی نمایندگی ایران در ژنو در جهت مذاکره با کشورهای عضو و جلب آرای آنها با هماهنگی مرکز و برخی نمایندگی‌های ایران در کشورهای مختلف صورت گرفت، از سوی دیگر اجلاس کمیسیون امسال، سخت ملتهد و تحت تأثیر حوادث فلسطین و جنایات ضد بشری اسرائیل بود، تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورهای اسلامی که جملگی موافق ایران بوده و به نفع جمهوری اسلامی ایران رأی می‌دادند عضو کمیسیون بودند، آزرده‌گی خاطر آفریقایی‌ها از کشورهای اروپایی در جریان کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و بدبینی آن‌ها نسبت به اتحادیه اروپایی به خاطر طرح قطعنامه علیه زیمبابوه که به وضوح آن را گزینشی و سیاسی می‌خواندند نیز در تزلزل کمیسیون در جهت همگامی با اتحادیه اروپا و تصویب قطعنامه مؤثر بود، موضع‌گیری صریح سازمان کنفرانس اسلامی علیه طرح قطعنامه در مورد ایران و بیان آن به وسیله پاکستان نیز بی‌اثر نبود، برخلاف

سال‌های پیشین در جریان اجلاس کمیسیون واقعه خاصی که دستاویز تبلیغ نقض حقوق بشر باشد رخ نداد و در عین حال بسیاری از زندانیانی که به عنوان زندانی سیاسی تلقی می‌شوند آزاد شده بودند. مهم‌تر از همه اینها، به نظر اینجانب جا افتادن این مطلب برای همه دولت‌ها و اعضای کمیسیون حقوق بشر حتی برای بانیان قطعنامه بود که دولت جمهوری اسلامی ایران، صادقانه و با حسن نیت در مسیر اصلاحات گام برمی‌دارد و به سمت بهبود اوضاع پیش می‌رود هر چند موانع و مشکلات زیادی در این راه دارد و یا کندی و گاه ناتوانی از خود بروز می‌دهد، این حسن اعتماد جهانی که به عزم دولت و به خصوص رئیس‌جمهور در اصلاح امور و صداقت او به وجود آمده و در گزارش نماینده ویژه و اظهارات نمایندگان اکثر دولت‌ها منعکس است می‌تواند از مؤثرترین عوامل در عدم تصویب قطعنامه به حساب آید. به هر صورت، حال که این طلسم ۱۹ ساله شکسته شد و قطعنامه پیشنهادی علیه ایران به نحو آبرومندانه‌ای با افزایش آرای منفی نسبت به آرای مثبت به تصویب نرسید، دولت باید تمام تلاش را برای عدم طرح مجدد قطعنامه و یا رأی نیاوردن آن بنماید و برای نیل به این هدف از هر دو طریق سیاسی و حقوقی به نحو مطلوبی استفاده نماید. در زمینه سیاسی باید از همین حالا کار را شروع کرد و با مذاکرات مناسب سیاسی در سطح دو جانبه و چند جانبه، مانع طرح مجدد قطعنامه شد.

اگر درست از فرصت استفاده نشود و دوباره، در سال آینده ایران، قطعنامه بگیرد، قابل سرزنش خواهد بود.

همکاری با مکانیزم نظارتی کمیسیون حقوق بشر، استفاده از همکاری فنی کمیساریای عالی حقوق بشر و برخی از گزارشگران موضوعی برای بازدید از کشور و مذاکره، با مقامات و گروه‌های مختلف نیز به خصوص در وضع مناسب فعلی می‌تواند مفید فایده باشد. تجربه نشان داده که در سال‌های اخیر، بازدید گروه‌های بین‌المللی مربوطه از کشور، در مجموع قضاوت و بازتاب مثبت آنها را در پی داشته است. از جمله آنها بازدید بعضی از اعضای دپارتمان حقوق بشر سازمان بین‌المللی کار است که ثمر بخش بوده است. بنابراین در موقعیت کنونی که وضعیت حقوق بشر از نظارت ویژه خارج شده و مأموریت نماینده ویژه کشوری خاتمه یافته است، ولی در عین حال مسئله ایران در دستور کار برخی از گزارشگران موضوعی مانند گزارشگر ویژه آزادی اندیشه و بیان، گزارشگر ناپردباری مذهبی، گزارشگر خشونت علیه زنان و امثال آنها قرار دارد، خوب است با بازدید آنها از کشور موافقت شود که هم در جریان واقعیات موجود قرار گیرند و هم نظریاتشان مورد ملاحظه قرار گیرد و در عین حال همکاری بیشتر با مکانیزم نظارتی سازمان ملل که از جمله نقاط مثبت برای کشور محسوب می‌شود، تحقق یابد.

به ویژه لازم است تدبیر مناسبی در جهت گفتگوی سازنده با اتحادیه اروپا که بانی سنتی قطعنامه است به عمل آورد. مسلماً گفتگوی این دور، ضمن این که نباید موضع‌گیری لجوجانه آنان را برانگیزد، در فضایی متفاوت از سال‌های قبل، صورت می‌گیرد چرا که به هر حال هم اکنون قطعنامه پیشنهادی علیه ایران شکست خورده و رأی نیاورده است و ایران از بودن تحت نظارت ویژه کمیسیون خارج شده است، تدبیر و ظرافت سیاسی در مذاکرات باید به کار گرفته شود که از این موقعیت به بهترین وجهی استفاده شده و بهانه‌ای برای طرح مجدد پیش نویس قطعنامه در اجلاس آینده مجمع و به خصوص کمیسیون داده نشود. طبعاً با کشورهای دیگر نیز باید مذاکرات ثمربخشی را از همین تاریخ و قبل از فوت فرصت شروع و ادامه داد.

با توجه به این که بر هر ناظر بی‌طرف پیگیری مسائل مربوط به طرح قطعنامه و وضعیت حقوق بشر کشورها در کمیسیون روشن است که بازی‌های سیاسی و سوء استفاده سیاسی از این اهرم انسانی، متأسفانه نقش عمده‌ای در طرح مسائل حقوق بشری کشورها و تقدیم پیش‌نویس قطعنامه و موضع‌گیری در رأی مثبت و منفی و ممتنع دارد، ناگزیر هر دولتی برای حفظ پرستیژ بین‌المللی خود، باید بتواند در این زمینه ماهرانه دیپلماسی موفقی را اداره کند و نتیجه مطلوب را بگیرد و برای دستگاه دیپلماسی ما هم اکنون زمان مناسبی است که

و اما در زمینه حقوقی و کار ماهوی، لازم است این نکته را در خاطر سپرد که هر چند مسئله حقوق بشر به یک بازی و اهرم سیاسی در دست معدودی از دولت‌ها تبدیل شده است ولی نباید به اشتباه تصور کرد که تمام مطلب سیاسی است، مطمئناً اگر زمینه‌های نقض حقوق بشر در داخل کشوری وجود نداشته باشد یا کم باشد و جریان امور به خصوص در دستگاه‌های قضایی و امنیتی بر مسیر قانون بوده، آزادی‌های مشروع مردم و حقوق اساسی آنها که معمولاً در قانون اساسی داخلی کشور نیز بر آن تأکید شده است هم در مقام وضع قوانین و مقررات و هم در عمل محترم شمرده شود، به سادگی زمینه طرح قطعنامه پیش نمی‌آید. به هر حال بدون وجود بهانه و دستاویز، زمینه مناسب برای طرح قطعنامه وجود نخواهد داشت، بنابراین جدا از فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی لازم است دستگاه‌های مختلف حکومتی به ویژه دستگاه امنیتی و قضایی که مستقیماً با حقوق مردم و مال و جان و حیثیت آنها سر و کار دارند تلاش کنند، واقعاً طبق قانون عمل نمایند. در تعقیب و دستگیری و صدور قرار بازداشت و نحوه محاکمه و دادرسی موازین قانونی و معیارهای شناخته شده بین‌المللی را رعایت نمایند. اگر به راستی اصول قانون اساسی به دور از برداشت‌های دور از ذهن و به قول معروف لایتجسبک که گاه در برخی از تصمیم‌گیری‌ها دیده می‌شود، به طور جدی رعایت شود و مبنای کار دستگاه‌ها باشد، بدون تردید قسمت عمده‌ای از مسائل حقوق بشری ما حل خواهد شد. برخی اختلاف نظرها و بحث‌های ماهوی وجود دارد که جای بحث و مناقشه آن باقی است، ولی اجرای صحیح اصول قانون اساسی و رعایت موازین اصلی شرعی و انجام احتیاط لازم در برخورد با مال و جان و حیثیت مردم بی تردید چهره نظام و حکومت را روشن تر جلوه می‌دهد و بازیگران سیاسی نیز به سادگی نمی‌توانند قطعنامه محکومیت ایران به نقض حقوق بشر صادر کنند. وضعیت پیش آمده سال جاری نشانه روشنی بر درستی این مدعا است.

البته در زمینه قانون‌گذاری و استنباط احکام شرعی که زیر بنای مقررات قانونی نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند، لازم است به طور جدی با دید باز و شرح صدر و توجه به مقتضیات زمان و مکان وارد عمل شد و قوانین نامتناسب و احياناً تبعیض‌آمیز چه در ارتباط با زنان و چه در رابطه با اقلیت‌های مذهبی را مورد بازنگری قرار داد.

در این زمینه حقیقتاً مراجع دینی، فقهای شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه سنگینی به عهده دارند و باید با درک صحیح زمان و روشن بینی، حیثیت اسلام و نظام اسلامی را حفظ کنند. این احتمال را بدهیم که در کشورهای دیگر اسلامی تکاپوی جدی برای روزآمد کردن مبانی فقهی و اصلاح مقررات با استفاده از اجتهاد مناسب و کار آمد شروع شده و نشانه‌هایی از آن در بعضی از

تصمیم‌گیری‌های قانونی آنها دیده می‌شود و شایسته‌نیست که ایران اسلامی که هم برخوردار از تمدن باستانی است و هم همواره به باز دانستن باب اجتهاد در فقه شیعه افتخار می‌کرده، عقب بیفتد. در این مقام به همین اشاره اکتفا می‌کنم و بسط مطلب را برای مناسبت دیگری وامی‌گذارم.

در پایان مانند عادت همیشه در این نوع نوشته‌ها می‌خواهم این مطلب روشن را مورد تأکید قرار دهم که هدف اصلی از همه این تلاش‌ها و فعالیت‌ها، اقامه عدل و قسط و رعایت حقوق مردم و جلب رضایت آنها و خالق متعال است. دولت و به طور کلی حکومت به صورت عام و شامل و مسئولان و متصدیان بخش‌های مختلف حکومتی باید تمام تلاششان بر این باشد که قطع نظر از مطرح بودن حیثیت کشور و نظارت بین‌المللی و قضاوت دولت‌ها، واقعاً وظیفه خود را درست انجام دهند، و حقوق حقه مردم را رعایت کنند و به یاد داشته باشند که خداوند هدف اصلی ارسال پیامبران را اقامه قسط در بین مردم اعلام کرده است، (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط... سوره حدید آیه ۲۵) و اصل اول قانون اساسی، حکومت جمهوری اسلامی ایران را برآمده از خواست ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل قرآن می‌داند. بنابراین قطع نظر از نظارت بین‌المللی و قضاوت دیگران، وظیفه انسانی، اسلامی و ملی اقتضای کند که در همه

نتیجه‌گیری‌ها و رفتارها عدل و انصاف و حقوق و آزادی‌های اساسی و حیثیت و کرامت عموم اتباع کشور، قطع نظر از هرگونه وابستگی نژادی، قومی، زبانی و مذهبی در نظر گرفته شود.

حُسن ختام این مقال را نقل آخرین بند نامه مورخ ۸۱۷۲/۱۴ خود خطاب به مقام محترم ریاست جمهوری که به مناسبت ردّ قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران نگاشتم قرار می‌دهم، در آن نامه پس از تبریک موفقیت ردّ قطعنامه و بیان برخی تحلیل‌ها و پیشنهادها با این جملات نامه را به پایان رساندم:

«... بالاتر از همه اینها وظیفه اصلی و مهم، تلاش در جهت رعایت حقوق شهروندان و هدف اصلی جلوگیری از نقض حقوق مردم است. اگر قطعنامه کمیسیون حقوق بشر هم نباشد و حکومت از مکانیزم نظارتی آن خلاص گردد، نظارت الهی و مردمی خواهی نخواهی وجود دارد، هم خداوند احکم الحاکمین و هم تاریخ و وجدان بیدار عمومی، قضاوت خود را خواهند کرد، بنابراین در همه اجزای حکومت، باید تلاش بر این باشد که تصمیمات عادلانه گرفته شود و اقدامات منطبق بر قانون و عدالت و در جهت حفظ حقوق آحاد ملت صورت گیرد، تا حکومت پاسخگو در برابر خدا و مردم و جامعه جهانی سر بلند باشد.»